پژوهشنامهٔ ایرانی سیاست بین‌الملل، دورهٔ ۱۱، شمارهٔ ۲، شمارهٔ پیاپی ۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲
دورهٔ انتشار: دوفصلنامه • شاپا چاپی: 2322-3472 • شاپا الکترونیک: 2717-3402
doi https://doi.org/10.22067/irlip.2022.21525.0
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

چارچوب‌های رسانه‌ای بحران هسته‌ای و گفتمان ایران‌هراسی

آرش رئیسی‌نژاد[1]

چکیده

در دو دههٔ اخیر، بحران هسته‌ای ایران، در مرکز توجه اندیشمندان روابط بین‌الملل قرار گرفته است. با وجود چاپ کتاب‌های گوناگون دربارهٔ ریشه‌ها، پویایی، و تأثیرات آن بر امنیت بین‌الملل و سیاست خاورمیانه، برخی زوایای بحران هسته‌ای، به‌ویژه نقش رسانه در چارچوب‌بندی کردن آن، نادیده انگاشته شده است؛ ازاین‌رو، نوشتهٔ پیش‌رو، تلاشی برای تحلیل و تبیین نقش رسانه در چارچوب‌بندی کردن بحران هسته‌ای ایران است. نوشتهٔ پیش‌رو، تلاشی است برای بررسی نقش رسانه‌های اصلی آمریکا، سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز، در چارچوب‌بندی کردن برنامهٔ هسته‌ای ایران. «سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز، چگونه و با چه سازوکاری برنامهٔ هسته‌ای ایران را چارچوب‌بندی کرده‌اند؟» این، پرسشِ محوری نوشتهٔ پیش‌روست که خوانشی تحلیلی از نقش رسانه‌ها در چارچوب‌بندی بحران هسته‌ای ایران را نمایان می‌کند. فرضیهٔ پژوهش این است که «چارچوب‌های رسانه‌ای تولیدی توسط این دو رسانهٔ آمریکایی، هم برسازنده و هم تشدیدکنندهٔ گفتمان ایران‌هراسی هستند. این نوشته با کاربرد روش ردیابی فرایند و تکیه بر تحلیل محتوای کیفی، خوانشی تاریخی از بحران هسته‌ای ایران از دریچهٔ رسانه‌های غربی را روایت کرده و نشان می‌دهد که نوشته با تحلیل رخدادهای کلیدی به‌عنوان «بافتار و زمینه» به نقش فاکس‌نیوز و سی‌ان‌ان با کارکرد خود به‌عنوان «فزون‌ساز» و تولید تیتر و تحلیل‌های جهت‌ساز به‌عنوان «متن» از برنامهٔ هسته‌ای ایران به‌عنوان «هدف» کوشیده است مردم آمریکا به‌عنوان «شنوندگان» را متقاعد کند.

مقالهٔ پژوهشی

واژگان کلیدی:
بحران هسته‌ای ایران، رسانه، سی‌ان‌ان، فاکس‌نیوز، چارچوب‌بندی، گفتمان‌ایران‌هراسی، امنیت

۱ . استادیار روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
arash.reisinezhad@ut.ac.ir
ORCID: 0000-0003-3552-8430

Iran's Nuclear Crisis and the Discourse of Iranophobia in the Media

Arash Raeisinejad[2]

Abstract

Iran's Nuclear Program (INP) has attracted many eyes and thoughts. While much ink has been spilled on its evolution and its impact on the international security and the middle-eastern politics, it seems there has been a theoretical void in the explanation of this multi-dimensional crisis. Such an unfortunate poverty is no more obvious than in the framing INP by the media. In fact, the impacts of media on conflicts and crisis in general, and on INP in particular, has been recently devalued. Thus, a voyage of the connections of the media framing and INP has been so far intact. The present study is an attempt to give a historical narrative on how the media have framed the trajectory of INP. We will accomplish this mission by locating the impacts of media on INP within an examination of the larger historical context. In this framework, the proposed work will undertake tracing the history of the ebbs and flows within the media—i.e., CNN and Fox News— coverage of INP, explaining how media covered INP. On this reading, the present work is a historiography. It provides a theoretical plot to narrate a story, a story of the history of INP through the lens of media.

Key Words: Iran, Media, Framing, Nuclear Crisis, CNN, Fox News

2 Assistant Professor Dept of International Relations Faculty of Law and Political Sciences University

مقدمه

به‌رغم چاپ کتاب‌های گوناگون دربارهٔ ریشه‌ها، پویایی، و تأثیر برنامهٔ هسته‌ای ایران بر امنیت بین‌الملل و سیاست خاورمیانه، برخی زوایای این بحران، به‌ویژه نقش رسانه در چارچوب‌بندی کردن[۳] آن، نادیده انگاشته شده است. نکتهٔ مهم این است که فهم افکار عمومی از برنامهٔ هسته‌ای ایران، مانند سایر مسائل خارجی، بر گزارش و تحلیل اخبار رسانه‌ها استوار است (Baum and Potter, 2008). شبکه‌های خبری با گزینش و پررنگ کردن بخش‌هایی از رخدادها و مسائل روز، نقش مهمی در چارچوب‌بندی کردن فهم عمومی ایفا می‌کنند (Entman, 2004). رسانه‌ها با چارچوب‌بندی کشمکش‌های خارجی، شیوه‌های درک افکار عمومی و سیاست‌گذاران از علت‌ها، پیامدها، و اهمیت آن‌ها را مدیریت می‌کنند. همچنین، میزان پوشش رسانه‌ای کشمکش‌های خارجی و زبان به‌کاررفته برای توصیف کنشگران چنین کشمکش‌هایی، نمایانگر چارچوب‌بندی کردن آن‌ها از سوی رسانه‌ها است. از این دریچه، پژوهش حاضر، تلاشی است برای بررسی نقش رسانه‌های اصلی آمریکا، سی‌ان‌ان، و فاکس‌نیوز، در چارچوب‌بندی کردن برنامهٔ هسته‌ای ایران. «چگونه سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز، برنامهٔ هسته‌ای ایران را چارچوب‌بندی کرده‌اند؟» این پرسشِ محوری نوشتهٔ پیش‌رو است که خوانشی تحلیلی از نقش رسانه‌ها در چارچوب‌بندی بحران هسته‌ای ایران را نمایان می‌کند.

۱. پیشینهٔ پژوهش

بررسی‌ها و خوانش‌های پیشین، رسانه‌ها را بیشتر به‌عنوان مسیری برای فرستادن پیام‌ها و تصاویر توصیف کرده‌اند (Naveh, 2002)؛ بااین‌حال، واقعیت دهه‌های گذشته، نقش پیچیده‌تر رسانه‌ها را نشان می‌دهد. پژوهش‌های گوناگونی پیامدهای چارچوب‌بندی اخبار بر افکار عمومی، پویش‌های انتخاباتی، و سیاست‌گذاری را بررسی کرده‌اند (Druckman, 2001)؛ به‌عنوان مثال، دروکمن نشان داده است که چگونه واژه‌ها یا عبارت‌های متفاوت، اما به‌لحاظ منطقی معادل، سبب می‌شوند که افراد، اولویت‌های خود را در مسائل سیاسی تغییر دهند. تعدادی از پژوهشگران، ارتباط میان چارچوب‌بندی رسانه‌ای اخبار بین‌المللی، افکار عمومی، و تأثیر آن بر برنامه‌های سیاست خارجی ایالات متحده را بررسی کرده‌اند. نتایج چنین پژوهش‌هایی نشان می‌دهد که از زمان پایان جنگ سرد، پوشش رسانه‌ای اخبار بین‌المللی تغییر کرده است. درواقع، در دو دههٔ گذشته، رسانه‌ها به بخش مهمی از فرایند تصمیم‌گیری سیاست خارجی تبدیل شده‌اند؛ زیرا، نقش مهمی در بسیج افکار عمومی برای پشتیبانی از سیاست‌های کاخ سفید داشته‌اند (Althaus and Coe, 2011)؛ به‌عنوان مثال، بِنت، این‌گونه استدلال کرده است که پوشش خبری رسانه‌ای از سیاست خارجی و جنگ، به نمایش اخبار به بخش ویژه‌ای از نخبگان، به‌ویژه قوهٔ قانون‌گذاری و اجرایی، تمایل دارد (Bennett, 1990). انتمن، «الگوی

۳. Framing

شبکهٔ فعال‌سازی آبشاری» را برای تبیین پوشش رسانه‌ای سیاست خارجی مطرح کرده است که شبکهٔ نفوذ نخبه‌محور از کاخ سفید تا کنگره و دیگر مسئولان رسانه‌ها و افکار عمومی را نشان می‌دهد (Entman, 2003). ولفسفلد، اصل سین‌ـرـسین (سیاست‌ـرسانه‌ـسیاست[۴]) را مطرح کرده است که در آن فرایند سیاسی، پوشش خبری را شکل می‌دهد و درمقابل، گفتمان سیاسی را تغییر می‌دهد (Wolfsfeld, 2004). نیومن و دیگران، چهار نوع چارچوب رایج در پوشش خبری، یعنی «تنش»، «پیامدهای اقتصادی»، «تأثیر انسانی»، و «اخلاقی» را در آمریکا نشان داده است (Neuman, Just and Crigler, 1992). به‌همین‌ترتیب، سمکتو و والکنبِرگ، پنج داستان خبری روزنامه‌ای و تلویزیونی «مسئولیت»، «تنش»، «اقتصادی»، «علایق انسانی»، و «اخلاقی» را معرفی کرده است (Semetko and Valkenburg, 2000). همچنین، نوشته‌های زیادی دربارهٔ رسانه و جنگ منتشر شده‌اند که بیشتر آن‌ها روندهای افکار عمومی پیش و در میانهٔ جنگ را بررسی کرده و نقش نخبگان را در این فرایند نشان داده‌اند (Foyle, 2004).

در سال‌های اخیر، رسانه‌های خبری از توانایی «جنباندن و تکان دادن حکومت‌ها» برخوردار بوده‌اند (McQuail, 1994). از این دیدگاه، قدرت امروزین رسانه‌ها، تأییدگر این سخن برنارد کوهن است که «اگرچه ممکن است رسانه‌ها در تعیین اینکه مردم چگونه بیندیشند، چندان موفق نباشند، اما به‌گونه‌ای شگفت‌انگیز در گفتن اینکه خوانندگان به چه بیندیشند، موفق بوده‌اند» (Cohen, 1994). همچنین، رسانه‌ها از محوری‌ترین نیروها برای برپایی دهکدهٔ جهانی بوده‌اند؛ ازاین‌رو، پژوهش حاضر، رسانه را به‌مثابه نمود مهمی از نیروهای قلمروزدا[5] در جهانی‌سازی به‌شمار می‌آورد (Deleuze and Guattari, 1972) و قلمروزدایی قدرت و توانایی نیروها در گذر از مرزهای ملی در جهان معاصر را به‌تصویر می‌کشد. کوتاه آنکه، مرکزیت رسانه در شکل‌دهی و جهت‌دهی افکار عمومی، نشان‌دهندهٔ قدرت آن در راستای چارچوب‌بندی کردن کشمکش‌ها است.

دربارهٔ نقش رسانه‌ها در برنامهٔ هسته‌ای ایران، پژوهش‌های زیادی انجام نشده است. «شبکه‌های ذهن و قدرت رسانه‌ها در بازنمایی غیرواقعی برنامهٔ هسته‌ای ایران»، نوشتهٔ محمدرضا تخشید و سیدمحمدعلی علوی (2015)، مقاله‌ای است که با استفاده از الگوی عملیاتی مانوئل کاستلز و فرضیهٔ نشانگرهای بدنی و پژوهش‌های علم اعصاب آنتونیو داماسیو و همچنین، الگوی برانگیختگی شبکه‌ای آبشاری رابرت انتمن، چگونگی بهره‌گیری آمریکا از مباحث مربوط به برنامهٔ هسته‌ای ایران را در راستای دستیابی به اهداف ایالات متحده بررسی کرده است.

علی دارابی و افسانه احدی نیز در مقالهٔ «رسانه، سیاست خارجی و اجماع‌سازی در برنامهٔ هسته‌ای

۴ . Politics-Media-Politics (PMP)

۵ . Deterritorializing

ایران: مطالعه‌ای تطبیقی» بر پایهٔ نظریهٔ سازه‌انگاری و با بهره گیری از روش تحلیلی‌ـمقایسه‌ای، با تمرکز بر سیاست‌های رسانه‌ای دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی، در پی نشان دادن تفاوت‌های موجود در سیاست رسانه‌ای این دو دولت در پیشبرد مذاکرات هسته‌ای بوده‌اند. نتایج این پژوهش نشان داده است که سیاست رسانه‌ای هسته‌ای دولت احمدی‌نژاد، به‌دلیل تأکید یک‌سویه بر اقناع افکار عمومی داخلی، زمینه‌ساز اجماع جهانی علیه برنامهٔ هسته‌ای ایران شده است؛ درحالی که دولت روحانی، با تأکید هم‌زمان بر اقناع افکار عمومی داخلی و خارجی، زمینهٔ شکستن اجماع جهانی علیه جمهوری اسلامی ایران را فراهم کرده است. باوجود انسجام مقاله‌های یادشده، هیچ‌یک از آن‌ها موضوع تمرکز رسانه‌های آمریکایی بر برنامهٔ هسته‌ای ایران را بررسی نکرده‌اند. مقالهٔ حاضر، به‌منظور پر کردن این خلأ پژوهشی، تأثیر چارچوب‌های رسانه‌ای تولیدشده توسط رسانه‌های آمریکایی دربارهٔ برنامهٔ هسته‌ای ایران را واکاوی کرده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

نوشتهٔ حاضر بر نظریهٔ چارچوب‌بندی استوار است (Mintz and Redd, 2003). چارچوب‌بندی به فرایندهایی اشاره دارد که از طریق آن‌ها، جابه‌جایی داده‌ها و اطلاعات از مکانی مانند یک گفتار، سخن، یا گزارش خبری به آگاهی انسان، انجام می‌شود (Edelman, 1993). نظریهٔ چارچوب‌بندی بر دو پایهٔ گزینش و برجسته‌سازی استوار است. گزینش، به انتخاب آگاهانهٔ نماهای ویژه‌ای از رخداد(های) خاص توسط رسانه اشاره دارد و برجسته‌سازی، به‌معنای پرمعنی‌سازی و به‌یادآوردنی‌تر کردن بخشی از اطلاعات برای شنوندگان است. برجسته‌تر کردن، امکان درک، پردازش، و ذخیرهٔ اطلاعات در حافظهٔ دریافت‌کنندگان را فراهم می‌کند (Fiske and Taylor, 1991). انتمن، یکی از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان حوزهٔ چارچوب‌بندی، بر این نظر است که چارچوب‌بندی کردن، گزینش چندنمایی از واقعیت دریافت‌شده و برجسته‌تر کردن آن‌ها در متون ارتباطاتی است؛ به‌گونه‌ای که تعریفی ویژه، تفسیری علی، ارزیابی اخلاقی، یا پیشنهادی درمانی از مسئلهٔ توصیف‌شده را گسترش دهد (Entman, 1993). فلدمن نیز بر این نظر است که «چارچوب‌ها برای فهم مسائل بر ابعاد (تبیین‌های) ویژه‌ای متمرکز می‌شوند... چارچوب‌ها، روابط میان مسائل و ملاحظات ویژه‌ای را پررنگ کرده و بر همسانی‌های چنین ملاحظاتی، که برآمده از اندیشیدن است، می‌افزایند (Feldman, 1995). همچنین، چارچوب‌ها به مشخص کردن اینکه یک مسئله، چگونه مسئله‌ای است و چه ابزاری برای برخورد و حل آن به کار می‌رود، کمک می‌کنند (Entman, 2004). چارچوب‌ها افزون‌بر گزینش و برجسته‌سازی، به‌طور هم‌زمان، توجه افراد را از مسئله‌ای ویژه دور می‌کنند (Frisch, 1993). کوتاه‌سخن اینکه، چارچوب‌ها به مردم می‌گویند که چگونه به موضوعی که به آنان گفته می‌شود، بیندیشند (McCombs, 2004). از این نگاه، چارچوب‌بندی کردن با اعمال قدرت درهم‌تنیده است. گامسن بر این نظر است که چارچوب می‌تواند قدرت اجتماعی

را اعمال کند؛ به‌شرط اینکه متقاعدکننده باشد (Gamson, 1992). درواقع، نگاه افراد به موضوع‌های ملی، برپایهٔ شیوه‌های چارچوب‌بندی آن‌ها در اخبار تلویزیون، تغییر می‌کند؛ ازاین‌رو، در رقابت بر سر چارچوب‌های رسانه، لازم است که برخی از عناصر مربوط به آن، ازجمله شیوه‌های طرح مسئله توسط کنشگران سیاسی و تفاوت‌های ظریف موجود در کاربرد زبان (مانند سرتیترها)، تجزیه‌وتحلیل شوند (Nir and Roeh, 1993).

چارچوب‌بندی کردن الگو، فرایند معنایی سازمانی‌تری دارد که برپایهٔ آن‌ها، چارچوب‌ها می‌توانند علت یا پیامد باشند و می‌توانند از سوی شنوندگان یا از سوی رسانه به‌کار روند: آثار رسانه‌ها یا آثار بر رسانه‌ها (Scheufele, 1999). در چنین فرایندی، رسانه، سرشت رخدادها را از طریق قالب‌هایی تغییر می‌دهد که چشم‌اندازهای ایدئولوژیک یا ارزشی‌ای را برمی‌سازند که در آن‌ها، رسانه‌ها بر داستان‌ها، نمادها، و کلیشه‌های وابسته تمرکز می‌کنند (Entman, 1991). این تکنیک محوری است؛ زیرا، کشمکش‌های سیاسی در مرکز مبارزه برای چارچوب‌های تفسیری قرار دارند (Gamson and Wolfsfeld, 1993). قدرت چارچوب‌بندی کردن رسانه، بار دیگر اهمیت مبارزهٔ سیاسی بر سر معناها و تفسیرها را نمایان می‌کند؛ ازاین‌رو، کشمکش‌ها بر گرد محور چارچوب‌ها شکل می‌گیرند.

براین‌اساس، کارکرد هر چارچوبی دربردارندهٔ: ۱) گزینش؛ ۲) برجسته‌سازی؛ ۳) برساختن استدلالی دربارهٔ مشکلات و دلایل آن‌ها؛ ۴) ارزیابی؛ ۵) راه‌حل است. همچنین، سازوکار هر چارچوبی پنج عنصر دارد: ۱) آغازگر؛ ۲) فزون‌ساز؛ ۳) هدف؛ ۴) شنوندگان؛ ۵) متن؛ ۶) بافتار (Entman, 1993). در اینجا باید به ناهمسانی هدف و شنوندگان پیامدهای چارچوب‌بندی اشاره کنیم. هدف که معمولاً دولت دشمن و رقیب است، نباید با شنوندگان پیامدهای چارچوب‌بندی، یکسان گرفته شود. از این دیدگاه، رهبران و تصمیم‌سازان دولت‌ها (آغازگر) تلاش می‌کنند که از طریق رسانه‌ها (فزون‌ساز) دشمن و کنش‌های وابسته به آن (هدف) را از طریق پخش اخبار ویژه (متن) دربارهٔ رخدادهای سیاسی خاص (بافتار)، برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی (شنوندگان) چارچوب‌بندی کنند.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر، به‌منظور نشان دادن پیدایش «پویایی و فرگشت» فرایند چارچوب‌بندی برنامهٔ هسته‌ای ایران، از رویکردی تحلیلی‌ـتاریخی با تکیه بر «روش ردیابی فرایند[۶]» استفاده کرده است. این رویکرد، چارچوبی نظری را بر گرد مفهوم «چارچوب‌بندی» برمی‌سازد. به‌گفته الکساندر جورج و اندرو بِنت، روش ردیابی فرایند، به پژوهشگر اجازه می‌دهد که پویایی، دگرگونی، و رانه‌های موجود در پسِ این دگرگونی‌ها را در فرگشت امرِ موردبررسی، برجسته کند (George and Bennett, 2005). در روش ردیابی فرایند، یک خوانشِ به‌ظاهر غیرنظری،

۶. Analysis Process Tracing

به‌مثابه نوعی تبیین نظریِ علی و تحلیلی نمایانده می‌شود؛ ازاین‌رو، نوشتهٔ حاضر، بر داده‌های گردآوری‌شده از تارنماهای سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز استوار است. این داده‌ها، خود دربردارندهٔ سرخط و عناوین خبرها و همچنین، خبرهای تحلیلی دربارهٔ برنامهٔ هسته‌ای ایران است. دلیل انتخاب این شبکه‌های خبری این است که دربردارندهٔ بیشترین گردش خبری دربارهٔ مسائل گوناگون، ازجمله مسائل سیاست خارجی، در آمریکا هستند.

داده‌های پژوهش، پس از گردآوری، از طریق تحلیل محتوا، بررسی می‌شوند تا با انجام نوعی تحلیل تاریخی، فرگشت و پیشران‌های آن را به‌گونه‌ای علی نشان دهند. تحلیل محتوا به پژوهشگران اجازه می‌دهد که داده‌های خود را با استفاده از این روش، وارسی کنند. از این راه می‌توان گفتار، نوشتار (مانند مقالات، کتاب‌ها، و سخنرانی‌ها)، فیلم‌ها، تصاویر، حرکات، نحوهٔ ادای کلمات، تکرار کلمات، لحن به‌کاررفته در کلام، و... را تحلیل کرد. تحلیل محتوا به پژوهشگران کمک می‌کند تا لایه‌های پنهان و زیرین پدیده‌های مرتبط با موضوعِ پژوهش را کشف کرده و به اهدافی که پژوهش در راستای آن انجام می‌شود، نزدیک شوند.

بهترین روش برای تحلیل این‌گونه دوره‌های تاریخی، پررنگ کردن رخدادهای کلیدی[7] است؛ زیرا، این رخدادها ایدهٔ فرایند فرگشتی را امکان‌پذیر می‌کنند. این رخدادها با سویه‌ای سازه‌انگارانه، چارچوب مفصل‌بندی‌شده[8] از سوی رسانه‌ها را دگرگون می‌کنند. پژوهش حاضر، رخدادهای کلیدی را به سه دسته تقسیم کرده است: ۱) رخدادهای بنیادین[9]؛ ۲) رخدادهای شتابنده[10]؛ ۳) رخدادهای دیرکردی انتقادی[11] (Buzan, 2009). رخدادهای بنیادین، آن‌دسته از رخدادها هستند که دستورکارها، روابط، شیوه‌ها، و کنش‌های نو را در هر گام از فرگشت چارچوب‌های برنامهٔ هسته‌ای ایران بنیان می‌نهند. رخدادهای شتابنده، رخدادهایی هستند که روندهای اصلی چارچوب‌های موجود برنامهٔ هسته‌ای ایران در هر دوره‌ای را تقویت می‌کنند. رخدادهای دیرکردی انتقادی نیز رخدادهایی هستند که توانسته‌اند مسیر چارچوب‌های برنامهٔ هسته‌ای ایران را دگرگون کنند، اما رسانه‌های جریان اصلی، آن‌ها را کم‌اهمیت جلوه داده‌اند. از این دیدگاه، پژوهش حاضر، هفت رویداد کلیدی را برای فرگشت چارچوب‌های برنامهٔ هسته‌ای ایران برگزیده است. این رویدادها که پنج رویداد بنیادین، یک رویداد فروگشا، و یک رویداد دیرکردی انتقادی را دربر می‌گیرد، نمایانگر برهم‌کنش برسازنده‌وار میان بافتارهای سیاسی‌ـ‌اجتماعی و چارچوب‌های رسانه‌ای است.

---

۷. Key Events

۸. Articulated

۹. Constitutive

۱۰. Catalyzing

۱۱. Deferred Critical

1. رویداد بنیادین: ادعای سازمان مجاهدین خلق مبنی‌بر نظامی بودن برنامهٔ هسته‌ای در ۱۴ اوت ۲۰۰۲؛
2. رویداد شتابنده: پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری در تاریخ ۲۴ ژوئن 2005؛
3. رویداد دیرکردی انتقادی: توافقنامهٔ استانبول در ۱۷ مه 2010؛
4. رویداد بنیادین: پیروزی حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری در ۱۴ ژوئن ۲۰۱۳؛
5. رویداد شتابنده: توافقنامهٔ ژنو در ۲۴ نوامبر 2013؛
6. رویداد بنیادین: توافقنامهٔ وین یا برجام در ۱۴ ژوئیهٔ ۲۰۱۵؛
7. رویداد بنیادین: خروج آمریکا از برجام در ۸ مه ۲۰۱۸.

پژوهش حاضر در پی شناخت، توصیف، و تبیین پوشش خبری و چارچوب‌های برنامهٔ هسته‌ای ایران است. دراین‌میان، فزون‌ساز، سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز، شنوندگان، مردم آمریکا، هدف، برنامهٔ هسته‌ای ایران و متن، تیتر و تحلیل خبر است. رخدادهای کلیدی نیز بافتار و زمینه را تشکیل می‌دهند (جدول شمارهٔ ۱).

جدول شماره (۱). مهم‌ترین عناصر چارچوب‌بندی کردن[۱۲]

آغازگر[۱۳]	رهبران و تصمیم‌سازان آمریکا
فزون‌ساز[۱۴]	سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز
هدف[۱۵]	برنامه هسته‌ای ایران
شنوندگان[۱۶]	افکار عمومی آمریکا
متن[۱۷]	تیتر و تحلیل خبر
بافتار[۱۸]	رویدادهای کلیدی

به‌این‌ترتیب، نوشتهٔ پیش‌رو، پس از توضیح کوتاه رویدادهای موردبررسی، چگونگی چارچوب‌بندی برنامهٔ هسته‌ای ایران از سوی سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز را در بازهٔ زمانی ویژه‌ای واکاوی کرده است. بازهٔ زمانی یادشده، رویدادهای کلیدی از افشای برنامهٔ هسته‌ای تا خروج

---

۱۲. Framing Elements
۱۳. Initiator
۱۴. Amplifier
۱۵. Target
۱۶. Audience
۱۷. Text
۱۸. Context

ترامپ از برجام را دربر می‌گیرد.

۴. طرح ادعای نظامی بودن برنامهٔ هسته‌ای ایران از سوی سازمان مجاهدین خلق

در ۱۴ اوت ۲۰۰۲، علیرضا جعفرزاده، نمایندهٔ شورای مقاومت ملی (شاخهٔ سیاسی سازمان مجاهدین خلق) ادعا کرد که جمهوری اسلامی ایران، برنامهٔ نظامی هسته‌ای پنهانی دارد. جعفرزاده با اشاره به تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم در نطنز و آب سنگین در اراک، ادعا کرد که این‌دو، مکان‌هایی پنهان برای تولید سلاح هسته‌ای هستند. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز این اطلاعات را تأیید کرد. باوجود رد این ادعاها از سوی ایران، وزارت خارجه آمریکا، ایران را به پنهان‌سازی برنامهٔ نظامی هسته‌ای خود متهم کرد. این اتهام، آغاز بحران هسته‌ای ایران بود.

۴-۱. پوشش خبری ادعای افشای برنامهٔ نظامی هسته‌ای ایران توسط سازمان مجاهدین خلق

سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز، هردو، ادعاهای جعفرزاده و سازمان مجاهدین را به‌گونه‌ای گسترده پوشش دادند. سی‌ان‌ان با پوشش این ادعا، بر خواست جمهوری اسلامی برای ساخت «بمب هسته‌ای» تأکید کرد (CNN, 29 August 2002) و به‌طور هم‌زمان، تکذیب این ادعا توسط مقامات و مسئولان جمهوری اسلامی را نیز پوشش داد (CNN, 13 December 2002). مصاحبه‌های دکتر محمدجواد ظریف، نمایندهٔ وقت ایران در سازمان ملل متحد، و حمیدرضا آصفی، سخنگوی وقت وزارت امور خارجه، نیز پوشش داده شد. افزون‌براین، فاکس‌نیوز، ایران را به «ساخت بمب هسته‌ای» برای «نابود کردن اسرائیل» متهم کرد (Fox News, 30 August 2002). در تحلیلی دیگر، فاکس‌نیوز، «برنامهٔ هسته‌ای پنهانی ایران» را «غیرصلح‌طلبانه»، «تهدیدی برای امنیت منطقه‌ای»، و اقدامی با هدف «ساخت بمب هسته‌ای» خواند (Fox News, 14 September 2002). نکتهٔ مهم این است که سی‌ان‌ان کوشید، ادعاهای هر دو طرف بحران را پوشش دهد؛ درحالی‌که فاکس‌نیوز، ایران را متهم به ساخت بمب کرد. باوجود این ناهمسانی، هردو رسانه، سخنان جورج بوش مبنی‌بر «محور شرارت» بودن ایران را به‌عنوان بافتاری برای تشدید بحران هسته‌ای ایران، پوشش دادند.

۵. برآمدن احمدی‌نژاد

در ۲۴ ژوئن ۲۰۰۵، محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز شد. پیروزی وی بر آیت‌الله علی‌اکبر هاشمی‌رفسنجانی، یکی از قوی‌ترین چهره‌های جمهوری اسلامی، بسیاری را شگفت‌زده کرد. احمدی‌نژاد در مبارزات انتخاباتی، در کنار شعار مبارزه با فساد و فقر، موضع سخت‌تری را در مورد مذاکرات هسته‌ای برگزید و خواستار ازسرگیری بازگشت‌ناپذیر غنی‌سازی هسته‌ای شد. نه‌تنها احمدی‌نژاد، بلکه سایر کاندیداهای محافظه‌کار نیز بر استقلال هسته‌ای کشور تأکید کرده و بر موضع ملایم رئیس‌جمهور، محمد خاتمی، در برابر غرب

تاختند. ریشهٔ چنین چرخش عمده‌ای در خوانش داخلی ایران از برنامهٔ هسته‌ای را می‌توان در دگرگونی‌های ژرف در تعادل منطقه‌ای قدرت، پس از تهاجم ایالات متحده به عراق در سال 2003 یافت. درواقع، ادعای دولت بوش دربارهٔ جنگ‌افزارهای کشتار جمعی عراق اثبات نشد و تنها وسیله‌ای برای تغییر رژیم در عراق بود و عراق به باتلاقی نظامی و دیپلماتیک برای ایالات متحده شد و درنتیجه، ترس ایران از محاصره شدن توسط آمریکا از بین رفت. با پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات، برنامهٔ هسته‌ای ایران وارد دوران جدیدی شد. درحالی‌که برنامهٔ هسته‌ای از سال 2002 امنیتی شده بود، رئیس‌جمهور خاتمی، به‌شدت در تلاش برای جلوگیری از امنیتی شدن آن و اعمال تحریم‌های گسترده بود و درمقابل، روی کار آمدن احمدی‌نژاد، امنیتی شدن برنامهٔ هسته‌ای را شتاب بخشید.

۱-۵. پوشش خبری برآمدن احمدی‌نژاد

رسانه‌ها به‌سرعت به پیروزی احمدی‌نژاد واکنش نشان دادند؛ فاکس‌نیوز، آن را «پیروزی ناراحت‌کننده» نامید (Fox News, 27 June 2005) و درعین‌حال، دوگانگی میان کسانی‌که خواهان بهبود روابط با غرب بودند و مخالفانشان را برجسته کرد. «درحالی‌که رفسنجانی در مبارزات انتخاباتی خود گفت که برای بهبود روابط با ایالات متحده تلاش می‌کند، احمدی‌نژاد اعلام کرد که در پی ایجاد روابط نزدیک نیست» (Fox News, 27 June 2005). مدت کوتاهی پس از آن، فاکس‌نیوز، موج جدیدی علیه احمدی‌نژاد به‌راه انداخت و رئیس‌جمهور جدید ایران را یکی از گروگان‌گیران ایرانی حاضر در بحران گروگان‌گیری 1981-1979 معرفی کرد. «دولت بوش که آمادهٔ حل‌وفصل بحران هسته‌ای با ایران شده بود، اکنون با این واقعیت روبه‌رو شده بود که رهبر جدید این کشور، احتمالاً در سال 1979 در گروگان گرفتن ۵۲ آمریکایی حضور داشته است» (Fox News, 1 July 2005). درهمین‌راستا، فاکس‌نیوز ادعا کرد که «شش گروگان پیشین آمریکایی که محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران، را به‌عنوان یکی از دستگیرکنندگان خود در بیش از 25 سال پیش شناسایی کرده‌اند، «پرسش‌های بسیاری» دراین‌باره دارند» (Fox News, 1 July 2005; Fox News, 6 April 2005).

درمقابل، سی‌ان‌ان، سیاست متفاوتی را دراین‌مورد در پیش گرفت. گرچه سی‌ان‌ان، موضوع به‌اصطلاح شرکت احمدی‌نژاد در بحران گروگان‌گیری را پوشش داد، اما بخش‌های مهمی از گزارش خود را نیز به انکار این ادعا توسط ایرانی‌ها و مقامات آمریکایی اختصاص داد: «مقامات ایران، شرکت احمدی‌نژاد در اشغال سفارتخانه در ۴ نوامبر ۱۹۷۹ را رد کرده‌اند.... هفتهٔ گذشته یک مقام آمریکایی به سی‌ان‌ان گفت که تجزیه‌وتحلیل سیا از عکسی از یک گروگانگیر در سفارت، که نزدیک به زمان محاصره گرفته شده بود، مشخص کرد که آن فرد، احمدی‌نژاد نیست» (CNN, August 3, 2005).

شرایط وخیم‌تری نیز پیش آمد. احمدی‌نژاد تنها چند ماه پس از روی کار آمدن، اعتراض

بین‌المللی علیه ایران را با پشتیبانی از انگارهٔ نابودی اسرائیل و به‌پرسش گرفتن هولوکاست در ماه‌های اکتبر و نوامبر 2005، رقم زد. رسانه‌ها به‌سرعت سخنان احمدی‌نژاد را پوشش دادند و او را «رئیس‌جمهور فوق‌العاده‌محافظه‌کار» نامیدند (Fox News, 29 October 2005).

سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز، هردو، سخنان احمدی‌نژاد علیه اسرائیل را پوشش دادند؛ اما به دو شیوهٔ ناهمسان. سی‌ان‌ان این موضوع را به‌عنوان سخنرانی خشن رئیس‌جمهور ایران علیه دولت یهودی مطرح کرد: «رئیس‌جمهور جدید ایران این سخنان را تکرار کرده است که اسرائیل باید از نقشه حذف شود و اصرار دارد که با سری جدیدی از حملات، دولت یهودی را نابود کند و به‌تندی از کشورها و رهبران مسلمان که اسرائیل را پذیرفته‌اند، انتقاد کرده است» (CNN, October 27, 2005).

درمقابل، فاکس‌نیوز این مسئله را با بحران گروگان‌ها درآمیخت و در مقالهٔ سردبیری خود، «بحران گروگانگیری ایران: بازنگری سال 1979»، بمب و بحران گروگانگیری را درهم تنید و ادعا کرد که «سال 2015 [سالی که ایران به بمب هسته‌ای دست می‌یابد] خیلی دور نیست، اما برای رسیدن به این آستانه، باید چندین کار را انجام دهد» (Fox News, 6 April 2005).

فاکس‌نیوز با درهم آمیختن برنامهٔ هسته‌ای ایران با بحران گروگان‌گیری، انگارهٔ تهدید ایران را تقویت، و ادعای «غیرعقلانی بودن» رهبران جمهوری اسلامی را برجسته کرد. به بیان روشن‌تر، چارچوب‌های برساختهٔ فاکس‌نیوز از برنامهٔ هسته‌ای ایران دربارهٔ قصد قریب‌الوقوع ایران برای «نابودی دولت یهود»، فاجعه‌ای سیاسی را برای مشروعیت‌بخشی به چارچوب برنامهٔ هسته‌ای ایران رقم زد. هنگامی که افکار عمومی غربی، آگاهی سیاسی و فنی بسنده‌ای دربارهٔ برنامهٔ هسته‌ای ایران ندارد، تحت تأثیر رخدادهای دراماتیک و داده‌های نو قرار می گیرد. کوتاه‌سخن اینکه، فاکس‌نیوز، با مقایسهٔ تاریخی شرایط، چارچوب‌های برساخته از برنامهٔ هسته‌ای ایران را طبیعی جلوه داد که پیامد نهایی آن، برآمدن مفاهیمی مانند «هولوکاست هسته‌ای» و «تروریسم هسته‌ای » بود که چارچوب‌های رسانه‌ای از جمهوری اسلامی ایران به‌نمایش گذاشتند.

۶. توافقنامهٔ استانبول ۲۰۱۰

در ماه مه 2010، ایران، برزیل، و ترکیه، اعلامیهٔ مشترکی را امضا کردند که در آن، تهران توافق کرده بود در برابر دریافت سوخت غنی‌شده برای یک رآکتور تحقیقاتی، اورانیوم با غنای پایین را به ترکیه ارسال کند. در این بافت، برزیل و ترکیه در مصاحبه با خبرنگاران فعال در پروندهٔ هسته‌ای ایران در سال 2010 درگیر شدند. در آن زمان، برزیل، قدرتی بلندپرواز و درحال خیزش بود تا عضو دائمی سازمان ملل متحد شود، درحالی که اردوغان، نخست‌وزیر ترکیه، با طرح پارادایم نئوعثمانی، درحال چرخش به شرق و خاورمیانه بود. برای رهبران برزیل و ترکیه، برنامهٔ هسته‌ای ایران، فرصت منحصربه‌فردی بود تا بر وزن واقعی خود در سیاست بین‌الملل بیفزایند.

در ماه مه 2017، طرفین در اعلامیهٔ تهران بر «حق» ایران برای انجام همهٔ فعالیت‌های چرخهٔ

سوخت هسته‌ای، ازجمله غنی‌سازی اورانیوم، تأکید کردند. افزون‌براین، ایران، انعطاف‌پذیری غیرمنتظره‌ای برای تغییر 1200 کیلوگرم LEU خود در برابر 120 کیلوگرم مواد 20 درصد غنی‌شدهٔ موردنیاز برای سوخت‌گیری راکتور تحقیقاتی تهران نشان داد (Guardian, May 17, 2010). براساس این اعلامیه، ایران همچنین موافقت کرد که بیش از پنجاه درصد از ذخایر نفت خام خود در قلمرو خارجی را در ترکیه ذخیره کند. از سال 2005 به‌این‌سو، این بزرگ‌ترین چرخش ایران در مسیر برنامهٔ هسته‌ای بود.

۱-۶. پوشش خبری توافقنامهٔ استانبول

رسانه‌های موردبررسی، این رویداد را به دو روش عمدهٔ ناهمسان پوشش داده‌اند. سی‌ان‌ان آن را معامله‌ای «بردـبرد» خواند که «رضایت هردو سوی ایران و کسانی که دربارهٔ ماهیت صلح‌آمیز برنامهٔ هسته‌ای کشور تردید دارند را جلب کرد» (CNN, May 18, 2010) و همچنین، هشدار داد که این توافقنامه، بازتابی از «افزایش نارضایتی از نظم جهانی سنتی است که در آن ایالات متحده، ابرقدرتی است که ناراضیان، آن را منسوخ و ناعادلانه می‌دانند... و مداخلهٔ آن‌ها [برزیل و ترکیه] در موضوع ایران، این ادعای روبه‌رشد بسیاری از کشورها را نشان می‌دهد که ایالات متحده به‌تنهایی قادر به حل اختلافات بین‌المللی نیست» (CNN, May 21, 2010).

درمقابل، فاکس‌نیوز، در برابر این توافقنامه موضع تندی گرفت. جان بولتون، سفیر پیشین آمریکا در سازمان ملل، در یادداشت سرمقالهٔ خود در فاکس‌نیوز، با تأکید بر «افزایش خطر جنگ هسته‌ای»، این معامله را «زیان‌آور» و «معامله‌ای خوب برای ایران و نه برای ایالات متحده» معرفی کرد (Fox News, May 25, 2010). وی با متهم کردن دولت اوباما به «گمراهی»، ادعا کرد که این توافقنامه «می‌تواند مشکلاتی را برای پذیرش قطعنامهٔ تحریم‌های دیگر ایجاد کند». به‌نظر بولتون، این معامله «پیامدهای ویرانگری» داشت و می‌توانست با پشتیبانی روسیه از ایران از راه «فروش توانایی‌های دفاع هوایی... و تحویل سامانهٔ پیشرفتهٔ S-300، سبب شکست حملهٔ هوایی احتمالی اسرائیل به برنامهٔ هسته‌ای ایران شود». برپایهٔ موضع فاکس‌نیوز، توافقنامه تأثیر منفی‌ای بر تعادل منطقه‌ای با هزینهٔ اسرائیل داشت. فاکس‌نیوز، پیوسته این انگاره را که عدم امنیت اسرائیل، پیامد مستقیم و فوری توافق احتمالی با ایران است، به‌مثابه بخشی از سیاست رسانه‌ای خود تکرار و برجسته می‌کرد. پیامد مهم چنین برجسته‌سازی‌ای، طبیعی نمایاندن این انگاره بود که هرگونه توافقی با ایران به عدم امنیت اسرائیل می‌انجامد.

باوجود تصمیم غیرمنتظرهٔ ایران، این توافق نتوانست به چرخشی در روند امنیتی کردن برنامهٔ هسته‌ای ایران تبدیل شود. بی‌درنگ پس از اعلان توافقنامه، دولت اوباما از به‌رسمیت شناختن آن خودداری کرد. درمقابل، کاخ سفید، حسن‌نیت تهران را با افزایش اقدامات تنبیهی و تشدید تحریم‌های بین‌المللی پاسخ داد. دیدگاه سی‌ان‌ان دربارهٔ تصمیم اوباما، نگاه البرادعی را بازتاب می‌داد؛ نگاهی که وی براساس آن بعدها در خاطرات خود از رد سهل‌انگارانهٔ اعلامیهٔ تهران از

سوی واشنگتن انتقاد کرد (ElBaradaei, 2011).

۷. پیروزی روحانی

در 14 ژوئن 2013، حسن روحانی در دور نخست انتخابات با 55/88 درصد آرا، پیروز شد. افراد محدودی، به‌ویژه در فضای بحث‌برانگیز پس از 2009، پیروزی روحانی را پیش‌بینی کرده بودند. شیخ دیپلمات، با ارائهٔ نگاه و زبانی تازه دربارهٔ بحران هسته‌ای و وضعیت بد اقتصادی، ایرانیان را برای رأی دادن به خود متقاعد کرد. چندی بعد، حسن روحانی در مصاحبه‌ای با «واشنگتن‌پست» در سپتامبر 2013 گفت، خواستار حل‌وفصل مسئلهٔ هسته‌ای در «ماه‌ها، نه سال‌ها»ی آینده است. روحانی افزود که مسئلهٔ هسته‌ای را «نقطهٔ شروعی» برای روابط ایالات متحده و ایران می‌داند. این آغاز دورهٔ جدیدی برای برنامهٔ هسته‌ای ایران بود.

۷-۱. پوشش خبری پیروزی روحانی

سی‌ان‌ان، پیروزی پویش «تدبیر و امید» روحانی را موفقیت روحانی در جذب «هم‌زمان محافظه‌کاران سنتی و رأی‌دهندگان اصلاح‌طلب» قلمداد کرد (CNN, June 15, 2013). درواقع، سی‌ان‌ان، پیروزی روحانی را رخداد مهمی جلوه داد که دوران جدیدی را در امنیتی کردن برنامهٔ هسته‌ای به‌وجود آورده است. چندی پس از آن، سی‌ان‌ان توضیح داد: «جمهوری اسلامی ایران برای نخستین‌بار در طول عمر 34ساله خود، با صدایی متحد برای نجات اقتصاد متأثر از تحریم‌ها، به غرب نزدیک شد. رئیس‌جمهور، حسن روحانی، پیش از سفر خود به نیویورک در این هفته برای پایان دادن به اختلافات هسته‌ای ایران با غرب، پیش‌زمینه‌هایی را فراهم کرد. روحانی و وزیر امور خارجه‌اش، جواد ظریف، «راش حاشانا» را به یهودیان سراسر دنیا تبریک گفت تا دیدگاه‌های رئیس‌جمهور پیشین، محمود احمدی‌نژاد را که بارها هولوکاست را افسانه نامیده بود، کم‌رنگ کنند (CNN, Sep 24, 2013). سی‌ان‌ان، مقالهٔ روحانی در واشنگتن‌پست را با مقالهٔ ماه پیش ولادیمیر پوتین مقایسه کرد (CNN, Sep 20, 2013). بر پایهٔ گزارش سی‌ان‌ان، «این نخستین‌بار نیست که یک رهبر از یک کشور غالباً مخالف با ایالات متحده از روزنامه برای بیان دیدگاه‌هایش استفاده کرده است؛ به‌عنوان مثال، هفتهٔ گذشته، ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، با دخالت نظامی بین‌المللی در سوریه مخالفت کرد و به‌طعنه گفت که آمریکایی‌ها خودشان را «استثنایی» می‌دانند؛ چیزی که به‌سرعت از سوی همهٔ طیف‌های سیاسی ایالات متحده به ریشخند گرفته شد». نکتهٔ جالب‌توجه این است که سی‌ان‌ان با ستایش غیرمستقیم موضع روحانی گفت: «اما صدای روحانی با پوتین متفاوت بود؛ صدایی که ریشه در «تدبیر و امید» و وعدهٔ برقراری ارتباط مثبت با نقاط دیگر جهان داشت و به پیروزی او در انتخابات در ماه ژوئن کمک کرد» (CNN, Sep 20, 2013).

اما فاکس‌نیوز موضعی مخالف سی‌ان‌ان گرفت. افزون‌براین، فاکس‌نیوز، میزبان صداها و نگاه‌های بدبینانه به روحانی در ایالات متحده شد؛ به‌عنوان مثال، اریک کانتور، رهبر اکثریت

مجلس نمایندگان دربارۀ این ادعای اوباما که روحانی نمایندۀ «رهبری جدید» در ایران است، ابراز تردید کرد و گفت: «رهبر معظم، آیت‌الله خامنه‌ای، حاکم واقعی در تهران است و ما تنها خودمان را گول خواهیم زد اگر نظری غیر از این داشته باشیم» (Fox News, September 28, 2013). فاکس‌نیوز در گزارش دیگری تأکید کرد: «آقای اوباما! روحانی، میانه‌رو نیست، اشتباه نکنید. لبخند او، تنها صفحۀ نخست نیویورک‌تایمز را می‌آراید. اما آیا «میانه‌روی» حسن روحانی با لبخند او شروع می‌شود یا پایان می‌یابد؟ آیا این جذابیت، تنها ظاهری است یا واقعیتی که درصورت واقعی بودن می‌تواند به بهبود زندگی مردم ایران کمک کند و چه‌بسا خاورمیانه را از ژرفای نابودی منازعات هسته‌ای نجات دهد؟ دکتر ساموئل جانسون، یک‌بار ازدواج دوم را «پیروزی امید بر تجربه» توصیف کرد؛ اما خوش‌بینی بی‌پایه، سیاست مؤثری در برابر ایران نیست؛ بلکه واقعیت‌ها، سیاست‌هایی مؤثرند» (Fox News, August 02, 2013).

۸. توافقنامۀ ژنو

در تاریخ 24 نوامبر 2013، پس از مذاکراتی طولانی، جدی، و مهم، ایران و قدرت‌های 1+5، برنامۀ جامع اقدام مشترک را در ژنو به‌تصویب رساندند. محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، و وزیران امور خارجه 1+5 با توافق موقت شش‌ماهه موافقت کردند که بخش عمده‌ای از برنامۀ هسته‌ای ایران را به‌گونه‌ای موقت در برابر کاهش تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران متوقف می‌کرد. همچنین، امضاکنندگان توافق ژنو بر آن شدند که زمان مذاکره برای توافق دائمی را مشخص کند.

۸-۱. پوشش خبری توافقنامۀ ژنو

سی‌ان‌ان، بی‌درنگ از توافق با ایران استقبال کرد و آن را «تاریخی» نامید(Sciutto and Carter, CNN, 2018). این رسانه در گزارش خبری خود تأکید کرد: «توافقی تاریخی میان ایران و شش قدرت جهانی در مورد برنامۀ هسته‌ای ایران شکل گرفت که سرعت برنامۀ هسته‌ای ایران را در برابر لغو برخی تحریم‌ها علیه این کشور، کند می‌کند» (Sciutto and Carter, CNN, 2018). همچنین، اشاره کرد که: «رابطۀ دیپلماتیک میان ایران و غرب برای چندین دهه، تغییرناپذیر بود؛ اما روز یکشنبه، دیپلمات‌ها با توافق میان ایران و شش قدرت جهانی بر سر برنامۀ هسته‌ای ایران، تاریخ‌سازی کردند» (Sciutto and Brumfield, CNN, 2013).

درواقع، سی‌ان‌ان با نگاهی خوش‌بینانه به توافق، تأکید کرد: «این معامله، توانایی ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را محدود می‌کند و درعین‌حال، تحریم‌های بین‌المللی علیه اقتصاد ایران را از بین می‌برد» (Sciutto and Brumfield, CNN, 2013).

درمقابل، فاکس‌نیوز با تأکید بر مفهوم «سردرگمی» در سرتیتر خبری با عنوان که «سردرگمی بر سر توافقنامۀ هسته‌ای» به‌دلیل اعتراض ایران به بیانیۀ کاخ سفید، اعتبار توافقنامه را زیر سؤال برد» (Fox News, 27 November 2013). در همین گزارش خبری عنوان شد: «اگرچه

پژوهشنامۀ ایرانی سیاست بین‌الملل
دورۀ ۱۱، شمارۀ ۲، شمارۀ پیاپی۲۲، بهار و تابستان ۱۴۰۲

دولت اوباما آغاز مذاکرات هسته‌ای با ایران را در پایان هفته اعلام کرده است، هنوز دو طرف نمی‌توانند بر سر آنچه به توافق رسیده‌اند، به توافق برسند. پس‌ازآن، معامله‌ای که در اوایل روز یکشنبه در ژنو انجام شد، با سردرگمی روبه‌رو شده است. پیامد توافقی که یکشنبه شکل گرفت، سردرگمی بوده است» (Fox News, 27 November 2013). درواقع، فاکس‌نیوز، جنبه‌های خاصی از توافق با ایران را برگزید و آن را سردرگمی نامید. همچنین، مذاکرات ایران و 5+1 را با تیتری خشن، چارچوب‌بندی کرد: «ایالات متحده و ایران در ژنو با یکدیگر ملاقات می‌کنند. معامله می‌تواند ایران را قادر به ارتقای برنامهٔ هسته‌ای خود کند». در این سرتیتر، پیامد توافقنامه با به‌کارگیری عبارت «ارتقای برنامهٔ هسته‌ای»، بدبینانه ارزیابی شد (Fox News, February 23, 2015).

۹. برجام

در تاریخ 14 ژوئیهٔ 2015، ایران و 5+1 در وین به برنامهٔ جامع اقدام مشترک (برجام) رسیدند. برپایهٔ برجام، ایران موافقت کرد که ذخایر اورانیوم غنی‌شدهٔ متوسط خود را پاکسازی کند و ذخیره‌سازی اورانیوم با غنای کم را تا ۹۸ درصد کاهش دهد، تعداد سانتریفیوژها را حدود دوسوم و دست‌کم به‌مدت ۱۵ سال کاهش دهد. ۱۵ سال بعد، ایران موافقت کرده است که اورانیوم را بیش از 3/67 درصد غنی‌سازی نکند و تأسیسات غنی‌سازی اورانیوم جدید یا رآکتور آب سنگین جدیدی نسازد. فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم به‌مدت ۱۰ سال به یک ساختمان که از سانتریفیوژهای نسل اول استفاده می‌کند، محدود خواهد ماند. همچنین، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌طور منظم به همهٔ تأسیسات هسته‌ای ایران دسترسی پیدا می‌کند. درمقابل، تحریم‌های اقتصادی مرتبط با برنامهٔ هسته‌ای ایران لغو می‌شود (IEAE, 2015).

۹-۱. پوشش خبری توافقنامهٔ ژنو

سی‌ان‌ان، با حفظ محتاطانهٔ دیدگاه مثبت خود دربارهٔ برجام، این توافقنامه را به‌مثابه «نقطهٔ محوری سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا در دوران باراک اوباما، چارچوب‌بندی نمود که به‌نظر می‌رسد برای تغییرشکل روابط میان ایران و غرب و پیامد احتمالی آن در سراسر خاورمیانهٔ بی‌نظم تنظیم شده است» (Mollen and Robertson, 2015)؛ بااین‌حال، در گزارش خبری دیگری، بر برآمدن تنش احتمالی از خود توافقنامه تمرکز کرد. سی‌ان‌ان با این استدلال که «شیطان، در جزئیات نهفته است» (Botelho, CNN, 2015)، تأکید کرد: «آن قدرها هم ساده نیست که ایران یک قطعه کاغذ را امضا کند، به توافق برسد، و بن‌بستی که سالیانی دراز طول کشیده است، به‌پایان برسد. برای اینکه ایالات متحده، اتحادیهٔ اروپا، و دیگران باور کنند که ایران به توافقنامه پایبند است، می‌بایست آن را از طریق چشم بازرسان ببینند». سی‌ان‌ان در نوشتاری دیگر، با اشاره به سرنوشت توافقنامه گفت: «توافقنامه میان ایران و قدرت‌های جهانی که در میانهٔ مذاکراتی طولانی‌مدت در هتل وین رقم خورد، پایان داستان نخواهد بود»

(Mollen and Robertson, 2015)
فاکس‌نیوز، بی‌درنگ پس از اعلان توافقنامه، با انتشار گزارشی تحلیلی، آن را «توافق تاریخی خطرناکی» خواند «که با مشروعیت‌بخشی به برنامهٔ هسته‌ای یک دولت اسلام‌گرای رادیکال و حامی تروریسم، خاورمیانه را ناامن می‌کند (Mollen and Robertson, 2015). این رسانه، میان دو موضوع مختلف برنامهٔ هسته‌ای ایران و «تروریسم اسلامی» ارتباط مستقیم برقرار کرد (Fox News, Fleitz, 2015). هدف نهایی این چارچوب‌بندی، برجسته کردن تهدید ایران هسته‌ای بود؛ ازهمین‌رو، فاکس‌نیوز این توافقنامه را مطلوب ایران و نه ایالات متحده خواند. «مفاد این توافقنامه، دربردارندهٔ امتیازات جزئی از سوی ایران و درعوض امتیازات فراوان از سوی ایالات متحده است که به ادامهٔ برنامهٔ هسته‌ای با وارسی ضعیف از سوی ایران خواهد انجامید. شرایط برای پایان تحریم‌ها برای ایران بسیار آسان خواهد بود» (Fox News, 14 July 2015). اما در واقعیت، ایران بیشتر اورانیوم غنی‌شدهٔ خود را از دست داد و مزایای اقتصادی کمی دریافت کرد. درحالی که برجام نظارت بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران را تضمین می‌کرد، فاکس‌نیوز به گونه‌ای تحریک‌آمیز ادعا کرد: «برپایهٔ توافقنامه، ایران نه‌تنها غنی‌سازی اورانیوم را ادامه خواهد داد، بلکه همچنان سانتریفیوژهای پیشرفته‌ای را تولید خواهد کرد که زمان رسیدن این کشور به بمب هسته‌ای را کاهش می‌دهد... این به‌آن‌معنا است که ایران، نسبت به زمانی که درحال مذاکره بود، مجوزهای بیشتری برای آزمایش سانتریفیوژهای پیشرفته‌اش دارد» (Fox News, 14 July 2015). افزون‌براین، فاکس‌نیوز این ادعای اوباما را رد کرد که: «مفاد توافقنامه که برپایهٔ آن ایران، اورانیوم غنی‌شده‌اش را به بیرون می‌فرستند، یک پیروزی بزرگ است» (Fox News, 14 July 2015). درحالی که اوباما و کری، دربارهٔ نظارت بر برنامهٔ هسته‌ای ایران اطمینان خاطر دادند، گزارش فاکس‌نیوز آن را «بی‌فایده» نامید و ادعا کرد: «اگر ایران این اورانیوم غنی‌شده را رقیق کند، می‌تواند آن را در چند ماه، غنی‌سازی کند.... گذشته‌ازاین، ازآنجا که توافقنامه به ایران اجازه می‌دهد که توسعهٔ سانتریفیوژهای پیشرفته را ادامه دهد، تهران از ظرفیت جایگزینی سریع ذخایر اورانیوم غنی‌شده برخوردار خواهد بود» (Fox News, 14 July 2015). فاکس‌نیوز در تحلیل دیگری، با استفاده از این سرتیتر که «توافق هسته‌ای ایران، بسیار بدتر از چیزی است که کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند»، دیدگاه‌های کارشناسان دربارهٔ توافق هسته‌ای با ایران را به‌چالش کشید (Fox News, Fleitz, 2015). فاکس‌نیوز، بدون هیچ گونه سند معتبری در مورد فعالیت‌ها و اهداف هسته‌ای ایران، این کشور را به باز نگهداشتن راهبرد ساخت تسلیحات هسته‌ای متهم و ادعا کرد: «چنین توافقنامه‌ای زمان واقعی برای ساخت بمب هسته‌ای ایران را کوتاه می‌کند و ایران را برای تولید بمب‌های هسته‌ای بیش از آنچه در حال حاضر می‌تواند با استفاده از سوخت‌های غنی‌شدهٔ اورانیوم و پلوتونیم تولید کند، توانا می‌سازد.... این شرایط، به همسایگان ایران اطمینان نمی‌دهد؛ زیرا، توافق فعلی، هیچ کاری

برای جلوگیری از فعالیت‌هایی مانند توسعهٔ کلاهک و احتمالاً غنی‌سازی پنهانی اورانیوم در مکان‌هایی که اعلان نشده است، انجام نمی‌دهد (Fox News, Fleitz, 2015). این نوشتار خبری در پایان به این نتیجه می‌رسد که «برجام، توافق وحشتناکی است که امنیت ایالات متحده و امنیت بین‌المللی را به‌خطر می‌اندازد. این توافق، خطر گسترش سلاح‌های هسته‌ای را افزایش می‌دهد؛ زیرا، کشورهای دیگر منطقه نیز احتمالاً غنی‌سازی اورانیوم و ساخت راکتورهای آب سنگین را آغاز خواهند کرد» (Fox News, Fleitz, 2015). درنتیجه، این تحلیل پیشنهاد کرده است: «بسیار مهم است که کنگرهٔ آمریکا با رد قاطعانهٔ این توافقنامه، پیامی را به جهان بفرستد و این نکته را روشن کند که رئیس جمهور جمهوری‌خواه آینده، آن را در نخستین روز کاری خود رد می‌کند» (Fox News, Fleitz, 2015). این رسانه در تحلیل دیگری نیز ادعا کرد: «توافق، نفوذ ایران را در فرایند هسته‌ای افزایش می‌دهد» (Fox News, 14 July 2015).

۱۰. خروج ترامپ از برجام

در ۸ مه ۲۰۱۸، دونالد ترامپ، خروج آمریکا از برجام را اعلان کرد. وی برجام را «توافقی وحشتناک و یک‌سویه» خواند که «از بنیان، نقص دارد» (CNN, March 16, 2018). وی تنها یک‌سال‌ونیم پس از پیروزی در انتخابات ریاست‌جمهوری، همان‌گونه که وعده داده بود، از برجام خارج شد. ترامپ در میانهٔ کارزار انتخاباتی خود، برجام را یک «فاجعه» و «وحشتناک»' (CNN, March 16, 2018)، «فاسد» و «بدترین توافق ممکن» (Fox News, May 10, 2018) خوانده بود. وی همچنین ترک برجام را وعدهٔ مهم انتخاباتی خود نامیده و بارها بر مذاکرهٔ دوباره بر سر برنامهٔ هسته‌ای ایران تأکید کرده بود. تصمیم ترامپ، به اعمال دوبارهٔ تحریم‌ها بر جمهوری اسلامی ایران و آغاز سیاست فشار حداکثری آمریکا انجامید. اگرچه رهبران تروئیکای اروپایی به‌همراه مسئول ارشد سیاست خارجی اتحادیهٔ اروپا اعلام کردند که مصوبهٔ شورای امنیت سازمان ملل متحد، برجام را تضمین می‌کند (Landler, May 8, 2018)، متحدان منطقه‌ای آمریکا، به‌ویژه اسرائیل و عربستان سعودی، با خشنودی از تصمیم ترامپ استقبال کردند(McCarthy, May 8, 2018).

۱-۱۰. پوشش خبری خروج ترامپ از برجام

سی‌ان‌ان، بی‌درنگ تصمیم ترامپ برای خروج از برجام را به‌نقد کشید. دو هفته پیش از این تصمیم، سی‌ان‌ان هشدار داده بود که «یک توافق فسخ‌شده، می‌تواند ژنرال‌های نظامی آمریکا را که می‌گویند توافق برجام در راستای منافع ملی آمریکا است، آزرده‌خاطر و روابط با اروپا را آشفته کند» (CNN, March 16, 2018). سی‌ان‌ان در این هشدار افزوده بود: «خروج از توافق، نه‌تنها اعتبار آمریکا را نابود می‌کند، بلکه ادعاهای ایرانی‌ها مبنی‌بر اینکه آمریکا قابل‌اعتماد نیست را معتبر کرده و مهم‌ترین اولویت سیاست خارجی حکومت را پیچیده می‌کند». سی‌ان‌ان با تأکید بر رهبران نظامی بانفوذ اشاره کرده است که: «همهٔ این ژنرال‌ها

بر این نظرند که ماندن در توافق در راستای منافع امنیت ملی آمریکاست و این نگاه را بارها مطرح کرده‌اند» (CNN, March 16, 2018). سی‌ان‌ان، پس از ۸ مه ۲۰۱۸ نیز نگاه منتقدانهٔ خود را علیه کابینهٔ ترامپ و خود او حفظ کرد و «امید ترامپ را برای تضعیف رژیم ایران با تحریم‌های بیشتر» به‌نقد کشید؛ زیرا، «کنش‌های ترامپ، مردم ایران را پشت سر تندروهای ایرانی علیه آمریکا متحد کرده است» (CNN, May 9, 2018). همچنین، سی‌ان‌ان، خروج ترامپ از برجام را دلیل قدرت‌گیری تندروها در ایران می‌دانست (CNN, May 9, 2018) و اشاره کرده بود که تصمیم ترامپ، آمریکا را در جهان، منزوی‌تر خواهد کرد. سی‌ان‌ان، در یادداشت دیگری استدلال کرد که این تصمیم ترامپ، «او را در برابر نزدیک‌ترین هم‌پیمانان ایالات متحده آمریکا قرار خواهد داد.... تصمیم ترامپ می‌تواند پیامدهای انفجاری داشته باشد»، هم‌پیمانی دیرین آمریکا را تضعیف کند، بازار نفت را برهم بزند، و تنش در خاورمیانه را افزایش دهد؛ حتی اگر خروج آمریکا به آغاز دوبارهٔ برنامهٔ اتمی ایران نینجامد» (CNN, May 9, 2018). همچنین، توضیح داد که خروج از توافق، «اعتبار واشنگتن را در مذاکرات آینده ــبه‌ویژه با کرهٔ شمالیــ از بین خواهد برد و احتمالاً تندروها را در ایران تقویت خواهد کرد» (CNN, May 9, 2018). این رسانه، اشاره کرد که ترامپ، «طرح ب» را در برابر ایران ندارد؛ زیرا، «معلوم نیست کابینه می‌تواند ایران را به امضای توافق متقاعد کند یا روسیه و چین ــدو طرف دیگر توافقــ را راضی کند» (CNN, May 9, 2018).

سی‌ان‌ان در تحلیل دیگری، ضمن انتقاد از تصمیم ترامپ، اشاره کرد که «ادعاهای ترامپ در توییت‌هایش، علیه توافق هسته‌ای، نادرست است» (CNN, July 11, 2019). این رسانه، یک روز پس از خروج ترامپ از برجام، پس از اجرای یک نظرسنجی اعلان کرد: «بیش از دوسوم آمریکایی‌ها ــ۶۳ درصدــ بر این نظرند که ایالات متحده نباید از توافق خارج شود تا از ساخت سلاح‌های هسته‌ای توسط ایران جلوگیری کند» (CNN, May 9, 2018). افزون‌براین، با بررسی تأثیر ترامپ بر اقتصاد جهانی ادعا کرد: «پس از اعلان تصمیم ترامپ مبنی‌بر خروج از برجام، قیمت‌های نفت دچار نوسان شده است (CNN, May 9, 2018). کوتاه‌سخن اینکه، سی‌ان‌ان، افزایش تنش میان ایران و آمریکا در نتیجهٔ تصمیم ترامپ برای خروج از برجام را برجسته کرده و از این تصمیم به‌شدت انتقاد کرد.

در نقطهٔ مقابل سی‌ان‌ان، فاکس‌نیوز از خروج ترامپ از برجام به‌شدت پشتیبانی کرد و آن را تصمیم درستی خواند. درست پس از اعلان این تصمیم، فاکس‌نیوز عنوان کرد: «رئیس‌جمهور ترامپ، توافق هسته‌ای ایران را بمباران هسته‌ای کرد» (CNN, May 9, 2018). این رسانه، برجام را «که چیزی بیش از غولی بی‌دست‌وپا در برابر آرزوهای آشکار سلاح‌های هسته‌ای نیست» برجسته کرد؛ زیرا، «این آرزوها را تنها برای ده سال متوقف خواهد کرد و... تهران در سال ۲۰۲۵ آزاد خواهد بود که توافق را ترک کند،و پس از خروج از توافق با استفاده از بند

«غروب»، به‌سوی ساخت بمب گام نهد (CNN, May 9, 2018). این رسانه، بار دیگر مسئلهٔ هسته‌ای ایران را با توان موشکی آن گره زده و افزود «هیچ‌چیز نمی‌تواند ایران را از ساخت ـیا تلاش برای خریدـ زرادخانهٔ موشکی در مقیاس جهانی بازدارد». فاکس‌نیوز با انتقاد از سیاست اوباما در برابر ایران ادعا کرد: «رئیس‌جمهور اوباما و وزیر امور خارجهٔ پیشین، جان کری، همواره یک فرض احمقانه و بسیار ساده‌لوحانه داشتند که اگر ایران توافق هسته‌ای را امضا کند، رفتار خود را در منطقه اصلاح خواهد کرد». از نظر فاکس‌نیوز، «تهران، هیچ‌گاه توافق را چیزی بیش از اقدامی موقتی برای رفع تحریم‌های اقتصادی نمی‌داند»؛ ازهمین‌رو، بارها راهبرد ترامپ را ستوده است؛ زیرا، او «راهبرد مهار همراه با بازدارندگی را، که چهار دهه علیه اتحاد شوروی به‌گونه‌ای تهاجمی اعمال شد»، برگزید و «اکنون این راهبرد می‌تواند برای محدود کردن جاه‌طلبی‌های منطقه‌ای و هسته‌ای ایران به‌کار رود (CNN, May 9, 2018). فاکس‌نیوز در تحلیل دیگری، ضمن ستودن «سیاست سخت‌گیرانهٔ فشار حداکثری ترامپ علیه ایران» ادعا کرد: «ترامپ می‌داند که راهبردش علیه ایران، نتیجه‌بخش خواهد بود» (Fox News, Fred Fleitz, 2018). این رسانه اذعان کرد: «ایران به‌لحاظ تکنیکی به توافق برجام پایبند بوده است... و احتمالاً در پی گسترش توان تهاجمی هسته‌ای خود در کوتاه‌مدت نخواهد بود. همچنین، این نکته نیز درست است که برجام، یک توافق چندجانبه میان کشورهایی است که در مسائل مهم ژئوپلیتیکی همکاری نمی‌کنند.... بااین‌حال، توافق، منطقه را به مکانی خطرناک‌تر تبدیل کرده است و به منافع اروپاییان در این فرایند آسیب رسانده است.... درنتیجه، این مسئله مربوط به این کابینه در برابر آن کابینه، دموکرات در برابر جمهوری‌خواه، یا آمریکا در برابر اروپا نیست، تنها مربوط به دونالد ترامپ هم نیست؛ بلکه این مسئله دربارهٔ تغییر دادن رفتار ملتی سرکش است که صلح و امنیت منطقه و جهان به آن وابسته است» (Fox News, Tom Ridge). اندکی پس از طرح تصمیم ترامپ، فاکس‌نیوز ادعا کرد: «خروج ترامپ از توافق هسته‌ای مهم با ایران، تأثیری آنی داشته است و کمک کرده است که تنش چهارساله را در یمن به‌پایان خود نزدیک کند» (Fox News, August 7, 2018). کوتاه‌سخن اینکه، فاکس‌نیوز از پشتیبانی خود از تصمیم ترامپ برای خروج از برجام دست نکشیده و برجام و طرفداران این توافق تاریخی را به‌چالش کشیده است.

۱۱. یافته‌های پژوهش

پژوهش حاضر، پس از بررسی نقش رسانه‌های برجسته‌ای مانند سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز در چارچوب‌بندی برنامهٔ هسته‌ای ایران، به نتایج زیر دست یافت.

• نخست اینکه، با طرح مواضع سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز در چارچوب‌بندی کردن برنامهٔ هسته‌ای ایران به‌مثابه یک خطر، نشان داد که این دو رسانه، از تکنیک‌های متفاوتی استفاده کرده‌اند. برخلاف سی‌ان‌ان که محتاطانه به توافقنامه هسته‌ای ایران با ۵+۱ خوش‌بین بود، فاکس‌نیوز بر

بدبینی خود و همچنین، بر سیاستی سخت در برابر ایران پای فشرد. سی‌ان‌ان، ایران را پایبند به برجام معرفی می‌کرد، درحالی‌که فاکس‌نیوز، ایران را متهم به نقض برجام می‌کرد. سی‌ان‌ان، خروج ترامپ از برجام را به‌نقد کشید و بر پیامدهای منفی آن تمرکز کرد، ولی فاکس‌نیوز، تصمیم وی را شجاعانه خوانده و آن را ستود. برخلاف سی‌ان‌ان، که زبانی «نرم» را در چارچوب‌های رسانه‌ای به‌کار برد، فاکس‌نیوز از زبانی «سخت» بهره می‌جست. فاکس‌نیوز باوجود ارتقای موقعیت سیاسی محافظه‌کاران و متهم شدن به ارائهٔ گزارش‌های مغرضانه، برنامه‌های هسته‌ای ایران را به‌عنوان یک تهدید بزرگ جهانی برای جهان، چارچوب‌بندی کرده است. درمقابل، سی‌ان‌ان، کم‌وبیش موضع لیبرال‌تری را در برابر بحران‌های بین‌المللی، ازجمله بحران هسته‌ای ایران، درپیش گرفته است که این خود، برآمده از آبشخور سیاسی-فرهنگی مخاطبان لیبرال‌تر آن است. چنین ناهمسانی‌ای بار دیگر اهمیت سیاست‌ها و راهبردهای چارچوب‌بندی رسانه‌ها را، که تاحدودی ریشه در پشتیبانی سیاسی و شنوندگان آنان دارد، تأیید می‌کند. این امر در نمایاندن جهان و برساختن گفتمان‌ها دربارهٔ کشمکش‌ها و بحران‌ها بسیار مهم است. درواقع، تأثیر رسانه‌ها نیز به سیاست‌های قشر اجتماعی-سیاسی پشتیبان آن‌ها در برابر تهدید و بحران وابسته است.

- دوم اینکه، با وجود تفاوت تکنیک‌های چارچوبی، رسانه‌های آمریکایی، ازجمله سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز، به‌عنوان فزون‌ساز، نیت نظامی موجود در پس برنامهٔ هسته‌ای ایران را پیش‌فرض خود قرار دادند. درست است که در میانهٔ گفت‌وگوهای هسته‌ای در ژنو و وین، سی‌ان‌ان سرتیترهای هوشمندانه‌تری را برگزید و از نظامی خواندن برنامهٔ هسته‌ای ایران پرهیز کرد و در سوی دیگر، فاکس‌نیوز، برنامهٔ هسته‌ای ایران را نظامی خواند، اما هر دو رسانه، برنامهٔ هسته‌ای ایران را برنامه‌ای غیرصلح‌آمیز و برخلاف گفته‌های مسئولان ایرانی چارچوب‌بندی کردند. افزون‌براین، سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز بر این استدلال که مهم‌ترین دلیل ایران برای امضای توافق هسته‌ای، تلاش برای رهایی از تحریم‌های بین‌المللی بود که اقتصاد ایران را ناتوان کرده بودند، پای فشردند. این استدلال، برخلاف گفته‌های مسئولان ایرانی است که امضای توافقنامه را مشروط به پذیرش غنی‌سازی هسته‌ای ایران توسط آمریکا کرده بودند.

- سوم اینکه، رویدادهای برسازنده، به‌عنوان زمینه و بافتار اصلی برای رسانه‌ها، تاحدی بر چارچوب‌های رسانه‌ای تأثیر می‌گذارند. گستره و دامنهٔ این اثر به ماهیت رویداد سازنده و نگرش عمومی رسانه دربارهٔ تهدید بستگی دارد. هرچه رویداد برسازنده مهم‌تر باشد، تأثیر چارچوب‌بندی رسانه‌ها عمیق‌تر خواهد بود. چارچوب‌های رسانه‌ای با رخدادهای خارجی، برهم‌کنش دارند که نشان می‌دهد، چارچوب‌های رسانه‌ای، ابزار خطی‌ای نیستند که توسط نخبگان سیاسی بر توده‌ها اعمال شوند. برعکس، اثرات چارچوب‌بندی رسانه، به‌ویژه چارچوب‌های سی‌ان‌ان از برنامهٔ هسته‌ای، می‌تواند وابسته به رخداد سازنده باشد.

• چهارم اینکه، درحالی که تصمیمات سیاسی، که بیشتر توسط رهبران گرفته می‌شود، سرشت و گستردگی سیاست‌های خارجی کشورها را تغییر می‌دهند، قدرت چارچوب‌بندی رسانه‌ها در تولید چارچوب حاکم، که مخاطب را وادار می‌کند یا بازمی‌دارد، از اهمیت دوچندانی برخوردار است. این استدلال بار دیگر تأیید می‌کند رسانه‌ها قدرت زیادی برای مفصل‌بندی و توجیه تصمیم‌های دولتی و سیاست خارجی دارند. آن‌ها به‌مثابه ابزار و محیطی برای واداشتن شنونده به پذیرش تفسیر ویژه‌ای از یک رویداد (در اینجا برنامهٔ هسته‌ای ایران) به‌عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی عمل می‌کنند.

• پنجم اینکه، «چارچوب»، مهم‌تر و تأثیرگذارتر از «واقعیت» است. این استدلال اصلی مطرح‌شده دربارهٔ نقش رسانه‌ها در شکل دادن به سیاست و تقویت یا تضعیف گفتمان‌های سیاسی است. هر دو فزون‌ساز (سی‌ان‌ان و به‌ویژه فاکس‌نیوز)، برنامهٔ هسته‌ای ایران را به‌عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی چارچوب‌بندی کرده‌اند. چارچوب حاکم، که خود توسط قدرت چارچوب‌بندی رسانه تولید می‌شود، واقعیت‌ها را نادیده می‌گیرد. باوجود واقع‌بینی غیرقابل چشم‌پوشی سیاست‌های منطقه‌ای عمل گرایانه، و نه‌تنها ایدئولوژیک ایران، مانند همکاری با ایالات متحده در حمله به طالبان در سال 2001، چارچوب حاکم تولید و تقویت‌شده توسط رسانه‌های ایران و برنامهٔ هسته‌ای، آن را به‌مثابه تهدید نمایانده‌اند. در این چارچوب، واقعیت‌ها، گزارش‌ها، و داده‌های خاص، مانند برآورد اطلاعات ملی ایالات متحده، در سال 2007 تأیید کرد که ایران از سال 2003 جست‌وجو و تلاش برای تولید سلاح‌های نظامی را تعلیق کرده است.

• ششم اینکه، قدرت چارچوب‌های رسانه‌ای، این نکته را ثابت می‌کند که جهان، بیشتر از طریق «شبه‌محیط» رسانه‌ای دیده می‌شود (بالزاک، 2010، 10). نگاه شنوندگان غربی به برنامهٔ هسته‌ای ایران، از طریق یک‌سری فرایندهای رقابتی بازتاب‌یافته توسط رسانه‌های جریان اصلی، ایجاد شده است. بااین‌حال، این فرایند در خلأ اجتماعی‌ـسیاسی و فرهنگی کار نمی‌کند، بلکه چارچوب‌های رسانه‌ای، اهداف را (در اینجا برنامهٔ هسته‌ای ایران)، سازماندهی می‌کنند تا برای شنوندگان، قابل‌قبول باشند. این موضوع نشان می‌دهد که درگیری‌ها و کشمکش‌های سیاسی، تنها به‌منظور دستیابی به منافع سخت، یعنی منافع سیاسی، اقتصادی، و ژئواستراتژیک رخ نمی‌دهند، بلکه آن‌ها نیز توسط چارچوب‌های نرم تولیدشده در رسانه‌ها هدایت می‌شوند که نشان می‌دهد، مبارزه برای معنا در سیاست، امری حیاتی است.

۱۲. رسانه و گفتمان ایران‌هراسی

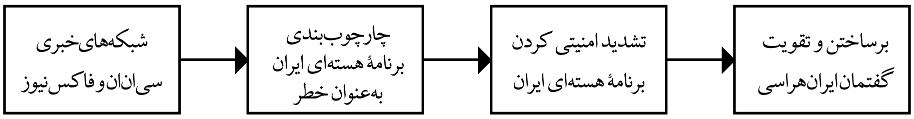
پیامد نهایی چارچوب تولیدشده توسط رسانه‌ها، شکل گیری گفتمان ایران‌هراسی است. گفتمان ایران‌هراسی، که توسط رسانه‌های جریان اصلی تقویت شده است، گفتمانی است که ایران را به‌مثابه تهدید بزرگی برای جامعهٔ جهانی، و دولتی سرکش و غیرعقلانی نمایانده است. این

گفتمان، دربردارندهٔ دال‌های گوناگونی دربارهٔ «خطر ایران» ازجمله «برنامهٔ نظامی هسته‌ای»، «تروریسم»، «صدور انقلاب»، «بحران گروگان‌گیری»، «حقوق بشر»، «افراط‌گرایی اسلامی»، «نابودی اسرائیل»، و «هولوکاست هسته‌ای» است. در این گفتمان، برنامهٔ هسته‌ای ایران به‌عنوان نماد اصلی تهدید ایران برای صلح و امنیت بین‌المللی به‌تصویر کشیده شده است که خود، تحریم‌های بین‌المللی را توجیه می‌کند.

دراین‌میان، چارچوب‌های رسانه‌ای سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز، نمودهای مهمی از مفصل‌بندی هژمونیک هستند که بخش‌های ویژه‌ای از مسائل مربوط به بحران هسته‌ای را گزینش و پررنگ کرده و ازاین‌طریق، گفتمان ایران‌هراسی را برساخته و تقویت می‌کنند. گفتمان ایران‌هراسی، نگرانی‌های برآمده از تهدید هسته‌ای ایران را پررنگ کرده و بر توجه بیشتر به این کشور به‌مثابه تهدیدی دائم برای امنیت منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. همچنین، این گفتمان، تاریخ و فرهنگ ایران را با سیاست و ایدئولوژی جمهوری اسلامی در تصویری همگن و یکدست درهم آمیخته است که در آن برنامهٔ هسته‌ای ایران، نماد «نیت‌های شیطانی» رهبران ایران مبنی‌بر ترور و تهدید است.

از این نگاه، چارچوب‌های رسانه‌ای سیاسی تولیدشده توسط سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز، قدرت تبیینی نیرومندی برای معرفی ایران داشته‌اند، ضمن اینکه خود از طریق به‌تصویر کشیدن ایران به‌عنوان «نیرویی شیطانی»، سیاست مرتبط با ایران را از منطقه بیرون می‌کند. گفتمان ایران‌هراسی تولیدشده توسط رسانه‌ها دربارهٔ بحران هسته‌ای ایران بر سه گام استوار است؛ نخست اینکه جمهوری اسلامی ایران به تولید سلاح هسته‌ای بسیار نزدیک است و با شتاب درحال نزدیک شدن به نقطهٔ تولید کلاهک‌های هسته‌ای است که می‌تواند با استفاده از موشک‌های شهاب۳ به اسرائیل و اروپا برسد؛ دوم اینکه، زمانی که این واقعه رخ دهد، جمهوری اسلامی، بی‌درنگ اسرائیل را نشانه خواهد گرفت؛ سوم اینکه، چنین رویدادی، مسابقهٔ نظامی و هسته‌ای بی‌سابقه‌ای را در خاورمیانه به‌راه خواهد انداخت. این گفتمان از طریق نمایاندن برنامهٔ هسته‌ای ایران به‌عنوان تهدیدی زودهنگام و نه محتمل، خطر ایران برای صلح و امنیت بین‌المللی را دوچندان جلوه داده است. جای شگفتی نیست که رسانه‌ها، واقعیت‌هایی مبنی‌بر غیرنظامی بودن برنامهٔ هسته‌ای ایران، ازجمله گزارش سیا در سال ۲۰۰۷، را نادیده گرفته‌اند. با چنین رویکردی، گفتمان ایران‌هراسی تولید و تقویت‌شده از سوی رسانه‌های غربی، اعمال تحریم‌ها را توجیه و کاربرد زور علیه این کشور را جایز می‌شمارد. کوتاه‌سخن اینکه، این رسانه‌ها، نقش مهمی در چارچوب‌بندی کردن ایران به‌عنوان تهدید مهمی برای صلح و امنیت بین‌المللی داشته‌اند. نتیجهٔ فرایند برساخته شدن گفتمان ایران‌هراسی را می‌توان در شکل شمارهٔ (1) مشاهده کرد.

شکل شمارهٔ (1). فرایند برساخته شدن گفتمان ایران‌هراسی توسط رسانه‌های غربی



نتیجه‌گیری

در این پژوهش تلاش کردیم تا نقش رسانه‌های آمریکایی (سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز) را در چارچوب‌بندی برنامهٔ هسته‌ای ایران و نمایاندن این کشور به‌عنوان تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی و سرانجام، برساختن گفتمان ایران‌هراسی، نشان دهیم. نقش مهم رسانه‌ها نشان می‌دهد که تصمیمات و کنش‌های دولت‌ها در سیاست بین‌الملل در خلأ رخ نمی‌دهد، بلکه همگی کم‌وبیش از فرایندهای چارچوب‌بندی کردن رسانه‌های بانفوذ تأثیر می‌پذیرند. همچنین، پژوهش حاضر، اهمیت رخدادهای سیاسی را در فرایند چارچوب‌بندی رسانه‌ای و برساخته شدن گفتمان ایران‌هراسی نشان داد. تأثیر رخدادها بر فرایند چارچوب‌بندی کردن را می‌توان برآمده از گونهٔ ویژهٔ هر رخداد دانست. افزون‌براین، نوشتار حاضر نشان داد که ناهمسانی‌هایی میان سی‌ان‌ان و فاکس‌نیوز، در چارچوب‌بندی کردن بحران هسته‌ای ایران دیده می‌شود. کوتاه‌سخن اینکه، پویایی و سوگیری تنش‌ها و بحران‌ها، تنها به‌واسطهٔ پیشران‌های سیاسی، اقتصادی، و ژئواستراتژیک نخواهد بود، بلکه افزون‌برآن، برآمده از چارچوب‌های نمادین تولیدشده از سوی رسانه‌ها است. این امر نشان می‌دهد که در صحنهٔ سیاست بین‌الملل، رقابت بر سر «معنا» نیز وجود دارد.

Refrences

Baum, M A., & Potter, P. B. K. (2008). The Relationships Between Mass Media, Public Opinion, and Foreign Policy: Toward a Theoretical Synthesis. Annual Review of Political Science, 11, 39-65.

Balzacq, T. (2010). Understanding Securitisation Theory: How Security Problems Emerge and Dissolve. New York, NY: Routledge.

Buzan, B. (2009). The Evolution of International Security Studies. Cambridge: Cambridge University Press.

Botelho, G. (2015, July 14). Iran Nuclear Deal Full of Complex Issues and Moving Parts. CNN. Available at: http://www.cnn.com/2015/07/14/politics/iran-nuclear-deal-highlights/index.html.

Compton, J. R. (2004). The Integrated News Spectacle: A Political Economy of Cultural Performance. New York, NY: Peter Lang.

Cohen, B. (1994). The View from the Academy. p.p. 8-11 in W.L. Bennett and Paletz, D.L.(eds) Taken by Storm: The Media, Public Opinion and US Foreign Policy in the Gulf War. Chicago, IL: University of Chicago Press.

Communication Dated 26 March 2008 Received from the Permanent Mission of the Islamic Republic of Iran to the Agency, Available at: https://www.iaea.org/sites/default/files/publications/documents/infcircs/2008/infcirc724.pdf.

Deleuze, G. & Guattari, F. (1972). Anti-Oedipus: Capitalism and Schizophrenia. Minneapolis, MN: University of Minnesota Press.

De Vreese, C. (2005). News Framing: Theory and Typology. Information Design Journal, 13(1), 51-62.

Druckman, James N. (2001). On the Limits of Framing Effects: Who Can Frame? Journal of Politics. Vol. 63, Issue. 4, November 2001. pp. 1041-1066.

Edelman, M. (1993). Contestable Categories and Public Opinion. Political Communication, 10(3), 231-242.

Entman, R. M. (1993). Framing: Toward Clarification of a Fractured Paradigm. Journal of Communication, 43(4), 51-58.

Entman, R. M. (2004). Projections of Power: Framing News, Public Opinion, and U.S. Foreign Policy. Chicago, IL: University of Chicago Press.

Entman, R. M. (1991). Symposium Framing U.S. Coverage of International News: Contrasts in Narratives of the KAL and Iran Air Incidents. Journal of Communication, 41(4), 6- 27.

Feldman, S. (1995). Answering Survey Questions: The Measurement and Meaning of Public Opinion. In Political Judgment: Structure and Process (250-281). Ann Arbor, MI: University of Michigan Press.

Fiske, S. T. & Taylor, S. E. (1991). Social Cognition. New York, NY: McGraw-Hill.

Frisch, D. (1993). Reasons for Framing Effects. Organizational Behavior and Human Decision Processes, 54, 399-429.

Fleitz, F. (2015, July 14). Iran Nuclear Deal Much Worse than Experts Predicted. Fox News. Available at: http://www.foxnews.com/opinion/2015/07/14/iran-nuclear-deal-much-worse-than-experts-predicted.html.

Gamson, W. A. (1992). Talking Politics. Cambridge: Cambridge University Press.

Gamson, W. A. (1992). The Social Psychology of Collective Action. In Frontiers in Social Movement Theory (53-76). New Haven, CT: Yale University Press.

Graber, D.A. (6th ed). (2002). Mass Media and American Politics. Washington, DC: CQ Press.

Haggi, R. (2009). Iranophobia: The Logic of an Israeli Obsession. San Francisco, CA: Stanford University Press.

Holsti, O.R. (2004). Public Opinion and American Foreign Policy. Ann Arbor: University of Michigan Press.

Kuypers, J.A. (1997). Presidential Crisis Rhetoric and the Press in the Post-Cold War World. Westport, CT: Praeger.

Iyengar, S. (1991). Is Anyone Responsible?: How Television Frames Political Issues. Chicago. IL: University of Chicago Press.

Jentleson, B.W. (1992). The Pretty Prudent Public: Post Post-Vietnam American Opinion on the Use of Military Force. Int. Stud. Q. 36(1), 49–74.

Marshall, J. (2003). Falsely Bleak Reports Reduce our Chance for Success in Iraq. Atlanta Journal Constitution, Sep. 22, p. 11A.

McCombs, M. (2004). Setting the Agenda: The Mass Media and Public Opinion. New York, NY: Polity.

McCombs. M. E. (1972). The Agenda Setting Approach, Function of the Media. In: Public Opinion Quarterly, Vol. 36. N0. 2. Summer 1972.

McQuail, Mass Communication Theory an Introduction. London: Thousand Oaks, New Delhi SAGE. 1994.

Mintz, A. & Redd, S. B. (2003). Framing Effects in International Relations. Synthese, 135(2), 193-213.

Moeller, S.D. (2004). Media Coverage of Weapons of Mass Destruction. CISSM Report, March 9. (Iraq).

Mullen, J. & Robertson, N. (2015, July 14). Landmark Deal Reached on Iran Nuclear program. CNN. Available at: http://www.cnn.com/2015/07/14/

politics/iran-nuclear-deal/index.html.
Naveh, C. (2002). The Role of the Media in Foreign Policy Decision-Making: A Theoretical Framework. Conflict & Communication Online, 1(2). Available at: http://www.cco.regener-online.de/2002_2/pdf_2002_2/naveh.pdf.
Nacos B.L. & Shapiro, R.Y. & Isernia, P. (2000). Decisionmaking in a Glass House. New York, NY: Rowman & Littlefield.
National Intelligence Estimate: Iran-Nuclear Intentions and Capabilities, Published November 2007 Available at: https://www.dni.gov/press_releases/20071203_release.pdf.
Nir, R. & Roeh, I. (1993). The Rhetoric of Speech Presentation in the Israeli Press. Hebrew Studies, 34: 53-78.
Paletz, D.L. (2002). The Media in American Politics. New York, NY: Longman.
Scheufele, D. A. (1999). Framing as a Theory of Media Effects. Communication, 49(1), 103-122.
Rumsfeld, D. (2005). Interview with Jerry Agar, KMBZ News Radio 980. Transcript, available at http://www.defenselink.mil/transcripts/transcript.aspx?transcriptid=3246.
Snow, D.S. & Benford, R. D. (1988). Ideology, Frame Resonance and Participant Mobilization. International Social Movement Research, 1, 197-217.
Seidman, R. (February 2015). List of how Many Homes Each Cable Network is in as of February. TV by the Numbers. Zap2it.
Sciutto, J. & Carter, CJ. (2013, November 24). Obama: Iran nuclear deal limits ability to create nuclear weapons. CNN. Available at: http://www.cnn.com/2013/11/23/world/meast/iran-nuclear-talks-geneva/index.html.
Wolfsfeld, G. (1997). Promoting Peace through the News Media: Some Initial Lessons from the Oslo Peace Process. The International Journal of Press/Politics, 2(4), 52-70.
Zaller J, Chiu D. (2000). Government's Little Helper: U.S. press Coverage of Foreign Policy Crises, 1946–1999. In B.L. Nacos & R.Y. Shapiro (Eds), Decisionmaking in a Glass House, (pp. 61–84). New York, NY: Rowman & Littlefield.
Zarif, J. (2006). Some Facts and Materials on Peaceful Nuclear Program of the Islamic Republic of Iran. Wayback. Retrieved from
https://wayback.archive.org/web/20070202222316/http://www.un.int/iran/facts_about_peaceful_nuclear_program.pdf